

کمیسیون حقوق بشر:

طالبان در کندز مرتکب نقض گسترده حقوق بشر شده‌اند



هشدار پوتین به کشورهای آسیای مرکزی:

شرایط افغانستان در آستانه بحرانی شدن است



رئیس جمهور روسیه درباره گسترش دامنه ناآرامی‌های افغانستان به کشورهای آسیای میانه هشدار داده است. اظهارات ولادیمیر پوتین در حالی روز جمعه مطرح شد که امریکا روز پنجشنبه از ادامه حضور نظامی خود در افغانستان خبر داد. پوتین در نشست سران کشورهای مستقل همسود موسوم به سی‌آس‌آس گفت: «شرایط در افغانستان در آستانه بحرانی شدن است. نفوذ تروریست‌ها با عقاید...»

ادامه صفحه ۶

غنی به نیروهای امنیتی:

شمال را تصفیه کنید



رئیس جمهور غنی می‌گوید که کشورهای جهان با افغانستان متعهد هستند و دشمن در انزوا قرار گرفته است. آقای غنی که دیروز جمعه به ولایت کندز سفر کرده بود، در نشست خبری گفت، کشورهای جهان به دشمنان افغانستان گفته‌اند که در امور این کشور مداخله نکنند؛ زیرا افغانستان بر حق است.

رئیس جمهور غنی می‌گوید که کشورهای جهان با افغانستان متعهد هستند و دشمن در انزوا قرار گرفته است. آقای غنی که دیروز جمعه به ولایت کندز سفر کرده بود، در نشست خبری گفت، کشورهای جهان به دشمنان افغانستان گفته‌اند که در امور این کشور مداخله نکنند؛ زیرا افغانستان بر حق است.

رئیس جمهور غنی می‌گوید که حمله طالبان بر کندز یکی از عوامل متحدشدن جهان با افغانستان است. غنی افزود که افغانستانی با ثبات سبب پیشرفت منطقه است و در غیر آن منطقه با تروریسم بین‌المللی روبرو خواهد شد.

رئیس جمهور گفت که پس از رویداد کندز بارک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده گفته است، نیروهای امنیتی ثابت کرده‌اند که به نظام کنونی باور دارند. به گفته آقای غنی اوباما در این تماس افزوده است که افغانستان با گذشت از این خطر نشان داد که به سرمایه‌گذاری می‌ارزد.

غنی گفت که رویداد کندز فضای بی‌باوری را ایجاد کرده بود، اما با تلاش نیروهای امنیتی این فضا به زودترین فرصت به امید تبدیل شد. او تأکید کرد که تلاش می‌کند تا نیروهای امنیتی از وابستگی سیاسی نجات یابند.

رئیس جمهور می‌گوید که بر بنیاد تصمیم شورای امنیت ملی تمام مناطق شمال شرق از وجود طالبان پاک خواهد شد. او در این نشست از نیروهای امنیتی خواست تا تلاش کنند، در جریان نبردها...»

ادامه صفحه ۶

طالبان کندز در بغلان



طالبان پس از چاشت روز گذشته بر ولسوالی برکه ولایت بغلان یورش بردند و گفته می‌شود که درگیری نیروهای امنیتی با طالبان تا کنون در این منطقه ادامه دارد.

عبدالجبار پردلی، فرمانده پولیس بغلان می‌گوید که گروه جنرال الله و طالبان پس از شکست در کندز به ولسوالی برکه آمده‌اند و قصد تصرف این ولسوالی را دارند. آقای پردلی افزود که تا کنون در جریان این درگیری‌ها، ۱۳ تن از طالبان کشته شده‌اند و ۳ سرباز امنیتی نیز زخم برداشته‌اند.

فیروزالدین ایماق، معاون شورای ولایتی این ولایت نیز هشدار می‌دهد که اگر نیروهای بیشتر امنیتی به این ولسوالی فرستاده نشوند؛ به زودی برکه به تصرف طالبان در می‌آید.

طالبان در این باره تاکنون چیزی نگفته‌اند.

ادامه صفحه ۶

اوباما:

اجازه نمی‌دهیم افغانستان به پناهگاه تروریستان تبدیل شود



رئیس جمهوری امریکا با اعلام روی گردانی از سیاستش به منظور خارج کردن بخش عمده سربازان امریکایی از افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۶ اعلام کرد: حضور ۱۴ ساله نظامی امریکا در این کشور را تمدید کرده و وظیفه خارج کردن سربازان امریکایی از این کشور را به رئیس جمهوری بعدی محول می‌کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز...»

ادامه صفحه ۶

در برگ ها



یک بار دیگر به سوی آجندای ملی



جایگاه هویت‌ها در گفت‌وگوهای اسلام‌گرایی معاصر



اسلام و تجدد



امریکا به ثبات افغانستان می‌اندیشد

ادامه صفحه ۶

احمد عمران

یک بار دیگر به سوی

آجندای ملی



است که بازنگری‌هایی در آجندای ملی نیز صورت گیرد و جامعه سیاسی و دولت‌مردان با نکته‌های بدیع دیگری از درون این متن مواجه شوند. به نظر می‌رسد که بیش از هر زمان دیگر، باید به حرکت آجندای ملی به عنوان طرح سیاسی‌یی که قابلیت مدیریت وضعیت را دارد، نگاه شود. آجندای ملی این قابلیت را یافته که خود را با شرایط کشور روزآمد سازد و از پس تحلیل و ارایه راه‌حل‌ها موفق بیرون شود.

ما در قدم نخست، به تحلیل دقیق وضعیت کشور خود نیاز داریم. هنوز متأسفانه تحلیلی روشن و واضح از وضعیت به‌وجود نیامده است. دولت‌مردان نیز در این عرصه موفق نبوده‌اند و گروه‌های سیاسی دیگر نیز که نگران وضعیت‌اند، از پس چنین مهمی بیرون شده نتوانسته‌اند. ما دقیقاً نیاز داریم که وضعیت کشور خود را تعریف کنیم و ببینیم که مشکلات و چالش‌ها از کجا نشأت می‌گیرند و ریشه در کدام مناسبات دارند. در قدم دوم، کشور نیاز به طرحی جامع برای مدیریت سیاسی دارد. طرح‌هایی که ارایه می‌شوند، گاه چنان کلی و گاه چنان در حوزه منافع شخصی و گروهی قرار می‌گیرند که به هیچ صورت نمی‌توانند به کوچک‌ترین مشکلات جامعه پاسخ دهند. اما این روزها یک بار دیگر امیدها به سمت آجندای ملی کشیده شده است. جامعه منتظر است که برای بیرون‌رفت از وضعیت، طرحی نو و مبتنی بر شناخت اوضاع ارایه شود. باید امید را از دست نداد و منتظر بود که آجندای ملی در وضعیت حاضر چه طرح و برنامه‌یی ارایه خواهد کرد. اما هرچه باشد، باید این برنامه مبتنی بر داده‌ها و دریافت‌های تازه از وضعیت سیاسی داخل کشور و منطقه باشد. حالا زمان آن فرا رسیده که آجندای ملی از محدوده طرح به مرحله اجرا ارتقا یابد. اگر چنین نشود، با توجه به کاستی‌هایی که در برنامه‌های دولت فعلی دیده می‌شود، بیرون شدن از وضعیت اگر یک امر ناممکن نباشد، بدون شک بسیار بسیار دشوار خواهد بود!

مهاجرت‌های تازه بیانگر این مسأله است که بخشی از شهروندان افغانستان، اعتماد خود را نسبت به آینده از دست داده‌اند و در پی آند که این کشور را ترک کنند. این موضوع در حال حاضر به یک نگرانی عمده تبدیل شده و بسیاری‌ها در انتظار روزهای دشوارند. از سوی دیگر، با گذشت یک سال از ایجاد دولت وحدت ملی، این دولت نیز با مشکلات عمده‌یی روبه‌رو است و نتوانست به شکلی که انتظار می‌رفت، پاسخگوی نیازهای جامعه باشد.

افغانستان با مشکلات کلان سیاسی مواجه شده که یک بار دیگر حضور نخبه‌گان سیاسی را برای تصمیم‌گیری‌های مهم و حیاتی لازمی کرده است. دولت وحدت ملی، نسخه‌یی برگرفته اما نامکمل از آجندای ملی‌یی است که چند سال پیش از سوی احمد ولی مسعود رییس بنیاد قهرمان ملی کشور و طراح آجندای ملی ارایه شد. اما این دولت به این دلیل که روح این طرح را نتوانست درک کند، موفق از کار بیرون نشد. دولت وحدت ملی زمانی می‌توانست که موفقیت‌های خود را شاهد باشد که به روح و کنه این طرح دست پیدا می‌کرد.

آن‌گونه که دیده می‌شود، افغانستان پیش از آن‌که مشکلات امنیتی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشد، با معضل سیاسی روبه‌رو است. اگر در بُعد سیاسی دولت وحدت ملی می‌توانست دیدگاه‌های نخبه‌گان جامعه را داشته باشد و از مشوره‌های آن‌ها در بهبود وضعیت سود ببرد، بدون شک امروز وضعیت امنیتی و اقتصادی این‌قدر بحران‌زا نمی‌شد. مشکل‌های امنیتی و اقتصادی ما، راه بیرون‌رفت سیاسی دارد و این آن چیزی است که روح آجندای ملی را تشکیل می‌دهد.

نکته بااهمیت دیگر این است که آجندای ملی دیگر از حیطة یک مجموعه کوچک نخبه‌گان بیرون شده و در میان اقشار مختلف جامعه در سراسر کشور حمایت‌گران خود را یافته است. البته در شرایط فعلی نیاز

وخامت اوضاع امنیتی افغانستان در ماه‌های اخیر و به‌ویژه سقوط شهر کندز به دست طالبان، سروصدهای زیادی را در سطح بین‌الملل برانگیخت. بسیاری از کشورهای عضو ناتو که مسوولیت تأمین امنیت افغانستان را در سال‌های دشوار به عهده داشتند، پس از انتقال مسوولیت‌های امنیتی به نیروهای افغانستان و افزایش سطح تهدیدها، یک بار دیگر متوجه سیاست‌های خود در قبال این کشور شدند. باراک اوباما رییس‌جمهوری آمریکا به‌تازگی اعلام کرد که پس از سال ۲۰۱۶، پنج‌هزار و پنج‌صد سرباز این کشور در افغانستان باقی خواهند ماند. در حال حاضر آمریکا با بیرون کردن نظامیان خود از افغانستان، نزدیک به ده هزار سرباز را نگه داشته است که عمدتاً به مشوره‌دهی و آموزش نیروهای امنیتی افغانستان مشغول‌اند. در پایان سال ۲۰۱۶ قرار بود آمریکا شمار سربازان خود را در حد هزار تن محدود سازد؛ اما تشدید حملات مخالفان و تغییرات در وضعیت امنیتی کشور، سبب شد که آمریکا نسبت به تعداد سربازان خود در افغانستان تجدید نظر کند. احتمال می‌رود که با تجدید نظر آمریکا در مورد شمار سربازان این کشور پس از سال ۲۰۱۶، دیگر اعضای ناتو نیز از این تصمیم پیروی کنند. با توجه به این مسایل، امکان دارد که افغانستان یک بار دیگر از نظر امنیتی، پوشش بیشتر بین‌المللی را به‌دست آورد.

اما مسلماً بحث افغانستان تنها مسایل امنیتی نیست، هرچند که امنیت در حال حاضر در اولویت قرار دارد و دیگر مسایل را به گونه‌یی تحت‌الشعاع قرار داده است. در کنار افزایش تهدیدهای امنیتی، افغانستان از نظر اقتصادی نیز در وضعیت بحرانی قرار گرفته است. کمک‌های جامعه جهانی پس از سال ۲۰۱۴ کاهش یافت و این امر سبب شد که افغانستان به یک‌باره‌گی با افت اقتصادی روبه‌رو شود. مشکلات اقتصادی که عامل بی‌کاری و فقر بیشتر در کشور شد، میزان اعتماد و باور مردم را به کارایی نظام به‌شدت کاهش بخشید. موج

سخن‌ماندگار

رییس‌جمهور پاسخ دهد

بعد از فتح شدن شهر کندز، توسط نیروهای امنیتی کشور، محمد اشرف غنی، دیروز به ولایت کندز سفر کرد و هدایت داد تا تمامی این ولایت از نفوذ طالبان تصفیه شود. البته این تصمیم «سر قوماندان اعلی قوای مسلح» بدون شک مورد حمایت مردم قرار می‌گیرد. رفتن رییس‌جمهوری به کندز و حمایت او از پاک‌سازی شمال‌شرق از وجود تروریستان اقدام پسندیده است. رییس‌جمهوری ضمن قابل احترام خواندن دست‌آورد‌های نیروهای امنیتی کشور، گفت که دولت برای تحکیم این دستاوردها دیگر سیاست دو قدم به پیش و چهار قدم به عقب را دنبال نخواهد کرد و در ولایت‌های شمال‌شرق افغانستان باید مردم شاهد نظم، امنیت و اعتبار باشند و فضای مناسب سیاسی، اداری و اقتصادی در این ولایت‌ها ایجاد شود که این نوع برخورد قابل ستایش است. زیرا در شرایط کنونی نهادهای امنیتی کشور و سربازانی که در خط دفاع می‌رزمند به انگیزه نیاز دارند و زمانی که رییس‌جمهوری خود از آنان به گونه جدی حمایت کند و مانع عملیات نیروهای امنیتی کشور بر مواضع دشمنان نشود، سبب ایجاد اعتماد بیشتر میان مردم و دولت می‌گردد. سخت‌ترین حالت برای سربازی که در خط می‌جنگد این است که سران نظام را در همسویی با طالبان فکر کند و نتواند با یک دید واضح در برابر دشمن قرار گیرد و یا هم در مورد شناخت دشمن دچار تردید شود. در کنار این ستایش از رییس‌جمهور، اعطای مدال به رییس امنیت ولایت کندز که خود در کنار والی کندز، به بی‌کفایتی و همکاری با طالبان متهم است، قابل قبول نیست. مردم کندز به شدت با دادن مدال این مقام دولتی انتقاد دارند و مردم افغانستان نیز چنین انتظاری را از رییس‌جمهوری غنی نداشته‌اند. بازتاب اعتراض‌ها در برابر این اقدام رییس‌جمهوری دیروز لحضاتی بعد از اعطای مدال در صفحات اجتماعی افغانستان دیده شده است. انتظار می‌رفت که رییس‌جمهور غنی به‌جای مدال دادن به رییس امنیت ملی کندز، باید او را به دادستانی و یا سارنوالی معرفی می‌کرد تا در مورد اعمالش پاسخگو می‌بود.

رییس امنیت ملی کندز و والی پیشین این ولایت، هر دو به یک پیمان در سقوط دادن کندز، ملامت‌اند؛ حتا دخیل پنداشته می‌شود. جابه‌جایی صدها طالب در خانه‌های هواداران و همکاران محلی شان در شهر کندز، بدون فهم اداره امنیت ملی ممکن نیست و اصلاً امکان ندارد که رییس امنیت ملی کندز از چنین اتفاقی خبر نداشته باشد.

بنابراین، دادن مدال به این مقام دولتی که مردم کندز او را «همکار طالب» می‌گویند از یک طرف سبب ایجاد شک و گمان‌هایی نسبت به رییس‌جمهور غنی آدرس قدرت در افغانستان می‌شود و از طرف دیگر، رییس امنیت ملی کندز را از هر نوع پرسش و پاسخ مصون می‌سازد و به او جرأت می‌دهد که بدون هراس از کسی به هر کاری بخواهد دست بزند. البته پیش از این، آقای غنی والی کندز را که بر بنیاد گزارش‌ها با طالبان همکاری داشته و آنان را در شهر کندز جایجا کرده بود، در کابل زیر حمایت گرفت و او را از هر نوع پیگرد احتمالی نجات داد.

حالا مردم کندز از آقای غنی می‌پرسند که به کدام دلیل رییس امنیت ولایت کندز را مدال داده است و چه شاهکاری از این مقام دولتی سر زده بود و چه اقدامی برضد طالبان انجام داده بود؟

آقای غنی باید به این سوال نیز پاسخ دهد که چرا کسانی که در کندز در برابر طالبان جنگیدند و سبب آزادی این شهر شدند و نیز کسانی که در این ولایت روزها در محاصره دشمن ماندند اما سنگر را رها نکردند، لیاقت اعطای مدال توسط او را نداشتند و مورد تقدیر و توجیه قرار نگرفتند. رییس‌جمهوری باید بداند که مدال شجاعت حق آن سربازان شجاع و افسران با وجدانی بود که در خط داغ نبرد ایستادند و دشمنان شان را از کندز راندند نه حق آدم‌های مشکوک و نزدیک به دشمن.

آلمان هم می ماند



ماموریت آلمان فدرال در افغانستان به نام «حمایت قاطع» باید ادامه یابد. بعد از اعلام تصمیم رییس جمهور اوپاما، آلمان نیز می خواهد در مورد تمدید عملیات نظامی اش در افغانستان غور کند.

به گزارش دوپچه وله، راینر ارنولد سخنگوی امور دفاعی از حزب سوسیال دموکرات آلمان در پارلمان این کشور گفت که پایگاه نظامی اردوی فدرال در مزار شریف در شمال افغانستان، عامل مهم ثبات در منطقه است. او در روزنامه «بیلد» تاکید کرد که اردوی آلمان فدرال نباید از آن صرف نظر کند.

و هینگ اوت، همتای او از حزب دموکرات مسیحی آلمان در ائتلاف بزرگ حکومتی در برلین گفت که اعلام بارک اوپاما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در ارتباط با به تعویق انداختن خروج سربازان این کشور از افغانستان با در نظر داشت اوضاع امنیتی بد آن کشور، این چانس را به روی ما می گشاید تا آموزش سربازان و پولیس این کشور در شمال افغانستان نیز تامین شود.

بارک اوپاما به روز پنجشنبه اعلام کرد که حضور ایالات متحده آمریکا با بخش بزرگ از حدود ۱۰ هزار سرباز در پایان سال آینده ۲۰۱۶ در افغانستان باقی می ماند.

براین اساس قرار است حدود ۵۵۰۰ سرباز در افغانستان به عملیات شان ادامه دهند که پایگاه هوایی بگرام و نیز پایگاه ها در جلال آباد در شرق و قندهار در جنوب کشور نیز از این جمله هستند.

در واقع قرار بر این بود که تا پایان زمان ریاست جمهوری بارک اوپاما در آغاز سال ۲۰۱۷، براساس طرح های موجود، شمار سربازان آمریکایی تا حدود ۱۰۰۰ نفر کاهش یابد که قبل از همه باید از سفارت ایالات متحده آمریکا در کابل حفاظت کنند.

از حدود ۸۵۰ سرباز آلمانی در افغانستان، شمار بیشتر آنها در مزار شریف مستقر هستند و یک قطعه دیگر آنها نیز در کابل است.

وضعیت بی ثبات

ماموریت جنگی به رهبری ناتو در افغانستان در سال ۲۰۱۴ پایان یافت. هدف مرکزی ماموریت کنونی به نام «حمایت قاطع»، آموزش سربازان و پولیس های افغانستان است که باید خود مسئولیت امنیت کشور شان را به دوش بگیرند.

چندی پیش تصرف کندز توسط افراطی های اسلام گرای طالبان به جهان نشان داد که تا چه حدی هنوز وضعیت در این کشور شکننده و بی ثبات است.

اشتون کارتر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در واشنگتن گفت: «ما انتظار داریم که موافقت ایالات متحده آمریکا در زمینه تمدید حضور سربازان، موجب توافق کشور های دیگر ائتلاف گردد که ایالات متحده آمریکا با آنها همکاری کرده است.»

وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا گفت که او قبلاً با «متحدین کلیدی» کشورش در باره ادامه حمایت از عملیات در افغانستان مشورت کرده است.

ینس استولتنبرگ دبیر کل ناتو یک تصمیم سریع را در سطح متحدین این پیمان نظامی اعلام کرد.

امریکا به ثبات افغانستان می اندیشد

استقبال غنی از تصمیم اوپاما:



رییس جمهور غنی از تصمیم بارک اوپاما مبنی بر تداوم حضور نیروهای آمریکایی در کشور استقبال کرد.

آقای غنی طی سخنانی در کابینه، تأکید کرد که امریکا به فکر یک افغانستان با ثبات و مترقی است و این ثبات، آرامش منطقه و جهان را تضمین می کند.

به گفته وی، امریکا برای کمک به بخش نظامی و اقتصادی افغانستان متعهد است و این تصمیم امریکا، نشانه ادامه تعهدات این کشور در قبال ماست.

رییس جمهور در جمع وزرای کابینه بیان کرد: «امریکا متعهد است که در بخش آموزش و تجهیز و حمایت از نیروهای افغانستان، ما را پشتیبانی کند و در زمینه مبارزه با تروریسم با ما همکاری خواهد کرد.»

او مواضع افغانستان و امریکا را مشترک دانست و گفت که افغانستان برای مبارزه با تروریسم که جهان را زیرتاثیر خود قرار داده است؛ همکاری های لازم را با امریکا به خرج خواهد داد.

غنی تصریح کرد که جهان در زمینه مبارزه با تروریسم بین المللی روی افغانستان تمرکز کرده و ما نیز در حمایت از این تصمیم تلاش می کنیم.

او گفت: «فداکاری، دفاع مردم و قربانیان آنها و نیروهای امنیتی افغانستان، باعث اطمینان جهان به افغانستان شده است. اضافه بر آن؛ عملکرد حکومت وحدت ملی در چوکات همکاری های مشترک در قالب موافقتنامه های استراتژیک و پیمان امنیتی

میان کابل — واشنگتن، امریکا را به ادامه تعهداتش خوشبین کرده است.»

رییس جمهور، جنگ افغانستان را بحران تروریسم در منطقه و جهان عنوان کرد و اظهار داشت که پناهگاههای تروریسم در خارج از افغانستان است و افغان ها از این ناحیه به شدت ضربه خورده اند. به باور وی، خروج نیروهای خارجی از کشور باعث افزایش حملات تروریست شده است.

او تصمیم اخیر ایالات متحده را معقول و خرسند کننده خواند و همکاری این کشور با نیروهای افغان

را برای ثبات افغانستان و کاهش صدمه منطقه از ناحیه تروریسم، بسیار موثر ارزیابی کرد.

غنی در ادامه صحبت هایش گفت که قرار است هفته آینده نخست وزیر پاکستان — نواز شریف — به امریکا سفر کند و مقامات آمریکایی در این دیدار، خواسته های افغانستان مبنی بر نابودی پایگاههای هراس افکنان در خاک این کشور و همچنین تلاش برای هماهنگ ساختن گروه های طالبان در زمینه صلح با دولت افغانستان در این نشست مطرح خواهد شد.

امریکا نماینده جدید در امور پاکستان و افغانستان تعیین کرد



دولت امریکا، ریچارد اولسن سفیر در حال کناره گیری این کشور در پاکستان را به عنوان نماینده ویژه جدید امریکا در افغانستان و پاکستان منصوب کرد.

به گزارش پایگاه پاکستان تودی، براساس بیانیه صادر شده از سوی وزارت امور خارجه امریکا ریچارد اولسن پس از کناره گیری از سمت سفیری این کشور در پاکستان از تاریخ ۱۷ نوامبر مسئولیت های جدید بر عهده خواهد گرفت.

در این بیانیه آمده است: ریچارد اولسن، همچون نماینده گان قبل از وی مسوول توسعه و اجرای سیاست ها و برنامه هایی که از منافع امنیت ملی امریکا حمایت خواهند کرد از جمله در زمینه تقویت ثبات پیشرفت در پاکستان و افغانستان مسئولیت خواهد داشت.

دنیل اف. فلدمن که پیش از اولسن نماینده امریکا در امور پاکستان و افغانستان بوده در تاریخ ۱۸ سپتامبر بازنشسته شد. اولسن در سال ۲۰۱۲ بعد از آنکه «کامرون مونتر» به دلیل روابط متشنج میان پاکستان و اسلام آباد بعد از کشته شدن اسامه بن لادن از سمت سفیری امریکا در پاکستان استعفا داد،

جانشین وی در این مقام شد. اولسن پیش از تجربه اش در اسلام آباد به عنوان مدیر هماهنگ کننده امور اقتصادی و توسعه در سفارت امریکا در کابل از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ خدمت کرده بود.

وی در طول این مدت بر همه برنامه های کمکی غیرنظامی امریکا و حمایت ها از دولت افغانستان نظارت کرد. اولسن همچنین به عنوان سفیر امریکا در امارات متحده عربی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ نیز خدمت کرد.

انتقاد کزری از تمدید ماموریت نظامیان

امریکایی در افغانستان



رییس جمهور سابق افغانستان از تمدید ماموریت نظامیان آمریکایی در افغانستان انتقاد کرد. به گزارش شبکه تلویزیونی راشا تودی، حامد کزری

در مصاحبه اختصاصی با این شبکه تلویزیونی گفت: شکی نیست که نیروهای دولت افغانستان شجاع هستند ولی حتی با وجود یکجبین نیروی قدرتمندی، تا زمانی که مداخله خارجی وجود دارد و سالها به آن توجه نمی شود، افغانستان شاهد همین وضع کنونی خواهد بود.

وی ادامه داد: این موضوع یکی از مسایلی بود که من همواره طی ریاست جمهوری افغانستان بر سر آن با مقامات آمریکایی و کشورهای دیگر بحث داشتم. من همچنین در مورد آموزش، تجهیز و همچنین مخفیگاه های طالبان در خارج افغانستان با آنها بحث داشته ام. لذا تا زمانی که این موضوعات بدون پاسخ بماند، مشکلات ما نیز تمامی نخواهد داشت.

وزارت دفاع روسیه: مسکو مسوولیت تأمین امنیت مرزهای مشترک تاجیکستان — افغانستان را بر عهده می گیرد

معاون وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که مسکو کنترل و تأمین امنیت مرزهای مشترک تاجیکستان و افغانستان را به صورت کامل بر عهده می گیرد.

آنتونولی آنتونوف معاون وزیر دفاع روسیه از تصمیم مسکو مبنی بر برعهده مسئولیت تأمین امنیت در مرزهای مشترک تاجیکستان و افغانستان خبر داد.

ور در گفت و گو با رویترز اعلام کرد: روسیه قصد دارد تا کنترل مرزهای مشترک تاجیکستان و افغانستان را به صورت کامل در اختیار گرفته و از آن محافظت کند.

روسیه در تاجیکستان چندین پایگاه نظامی دارد و گفته می شود این تصمیم در پی ناآرامی های اخیر در تاجیکستان و نگرانی از افزایش تحركات گروه های مسلح در شمال افغانستان اتخاذ شده باشد.

عبدالحلیم نظرزاده که معاون سابق وزارت دفاع تاجیکستان، در اقدامی که از سوی امام علی رحمان رییس جمهور این کشور «کودتا» خوانده شد، دست به حمله نظامی زد که دو هفته پس از آن در یک محاصره نیروهای تاجیک کشته شد. امام علی رحمان رییس جمهور تاجیکستان چندی قبل در دیدار با ولادیمیر پوتین همتای روسی خود اعلام کرده بود که اوضاع امنیتی در افغانستان روز به روز در حال وخامت است و دوشنبه تاجیکستان در مورد وضعیت مرزهای مشترک خود با افغانستان نگران است.

دبیرخانه سازمان پیمان امنیت جمعی در نشست این سازمان با انتشار بیانیه ای مناطق مرزی افغانستان را بزرگترین تهدید برای کشورهای عضو سازمان امنیت جمعی خوانده بود. روسیه حدود ۲۰۰ پایگاه و حدود ده هزار سرباز در تاجیکستان دارد.



جایگاه هویت‌ها در گفتمان

اسلام‌گرایی معاصر



خواجه بشیر احمد انصاری

در ادبیات سیاسی مؤسس افغانستان، عبدالرحمن خان هم "افغانی" مرادف "پشتون" است. امیر مذکور در صفحه ۱۸۶ تاج‌التواریخ خویش می‌نویسد: "... من به زبان افغانی به همراهان خود گفتم دور میر بابا را بگیرید." و باز در صفحه ۱۸۸ همین کتاب هنگامی که از جنگ‌هایش با میرهای بدخشان صحبت می‌کند، می‌گوید: "من به زبان افغانی به نوکرهای خود گفتم دروازه جلو را متصرف شوند." عبدالرحمن خان در صفحه ۲۶۴ کتاب خویش وقتی از جنگ با هزاره‌ها یاد می‌کند، می‌نویسد: "... بر یکی از دسته‌های لشکر افغانی حمله نمودند." امیر

مذکور در صفحه ۲۷۲ شهکار تاریخی خویش هنگام صحبت از نورستانی‌ها می‌نگارد: "... این طایفه این قدر وحشی بودند که زن‌های خود را با ماده‌گاوه‌های افغانه اطراف معاوضه می‌نمودند." در صفحه ۴۰ این کتاب آمده است: "... امیر بخارا مایل بود که ببیند افغان‌ها با اهالی بدخشان چه‌گونه رفتار می‌نمایند." خلاصه سخن این‌که امیر عبدالرحمن خان هرگاه می‌خواست از ملت واحد کشورش یاد نماید، از آن به نام "ملت افغانستان" یاد می‌نمود؛ چنان‌که این کار را در صفحه ۲۲۶ تاریخ خویش نموده است.

گذشته از آن‌چه یادآور شدیم، همان‌طوری که دوست من جناب آقای فضل‌الرحمن فاضل سفیر افغانستان در قاهره، در مقاله تحقیقی‌شان که در ماه نومبر سال ۲۰۰۵ در سایت "سرنوشت"

به نشر رسید، یادآور شده‌اند، اسناد رسمی دولت‌های پسین افغانستان، واژه‌های "پشتون" و "افغان" و همچنان "پشتو" و "افغانی" را مرادف هم می‌دانستند. در قانون اساسی دوره نادرشاه که به نام اصول اساسی دولت علیه افغانستان یاد می‌شد و به زبان‌های دری و پشتو در بیست و شش صفحه به تاریخ ۸ عقرب ۱۳۱۰ شمسی در کابل به چاپ رسیده بود، فقره الف صفحه دوم آن که به «حقوق پادشاه» تخصیص یافته است، به این عبارت آغاز شده است: "بنا بر تقدیر فداکاری و خدماتی که اعلی حضرت غازی محمد نادرشاه افغان در راه استقلال و نجات وطن افغانستان و برانداختن بنیان ظلم و استبداد... الخ." این متن فارسی این‌طور به پشتو ترجمه شده است: "لپاره د قدر کولو د هغو لویو لویو خدمتو او فدا کاریو په اعلیحضرت غازی پشتون محمد نادر شاه په لار د استقلال او خلاص والی د وطن دافغانستان او ایستل د بیخ د ظلم او د استبداد... الخ." در این‌جا دیده می‌شود که حکومت افغانستان در مهم‌ترین وثیقه و اساسی‌ترین سند رسمی خویش، "افغان" را "پشتون" ترجمه نموده است. محمدظاهرشاه آخرین پادشاه افغانستان، در سال ۱۳۱۵ یعنی نخستین سال‌های سلطنتش، به عم محترم‌شان صدر

اعظم وقت افغانستان شاه ولی‌خان، فرمانی صادر نمودند که متن آن در سالنامه کابل و بسا نشرات از جمله در شماره ماه حوت سال ۱۳۱۵ شمسی نشریه دولتی اصلاح نیز به چاپ رسید. در این فرمان ملوکانه آمده بود: "... اراده فرموده‌ایم ... در ترویج و احیای لسان افغانی هم سعی به عمل آمده و از همه اول مأمورین دولت این زبان ملی را بیاموزند ... شما به وزارت‌ها و نایب‌الحکومگی‌ها امر بدهید که مأمورین لشکری و کشوری مربوط خود را مکلف نمایند که در مدت سه سال لسان افغانی را آموخته و در محاوره و کتابت مورد استفاده قرار دهند." در این‌جا هم می‌بینیم که شخص شماره اول کشور از چیزی به نام "زبان افغانی" یاد می‌کند.

در این سه دهه اخیر، خود شاهد بوده‌ایم که گروه قومی "افغان ملت" و شرکای آن، گاهی تنها یک قوم را افغان خوانده‌اند ولی زمانی که احساس نموده‌اند گروه‌های قومی دیگر هم بر سخن ایشان صحه گذاشته و خود را شامل دایره "افغان" ندانسته‌اند، باز دیده شده که همین حزب و شرکایش دست به تظاهرات زده تا باز "باغیان" را وارد دایره و حریم "افغان" سازند. اگر قرار باشد که همه اقوام کشور یک بار دیگر خود را "افغان" بخوانند، باز هم یقین دارم که همین گروه باری دیگر تنها خودشان را "افغان" خواهند خواند. این بازی را چه‌گونه می‌توان پایان داد و این گره را چه‌طور می‌توان باز کرد؟ کم‌هزینه‌ترین و معقول‌ترین کاری که می‌توان انجام داد، همان ابداع واژه "افغانستانی" است که پنجاه سال پیش برای نخستین‌بار از سوی داکتر عنایت‌الله ابلاغ به کار برده شده است.

شاخه‌هایش چیزی جز یک واکنش تند در برابر موج الحاد و دین‌گریزی و مداخله همسایه شمالی نبود که بخش‌هایی از آن به صورت کامل در دامن همسایه‌هایی افتیدند و آهسته آهسته ابزاری در راه پیاده نمودن برنامه‌های استراتژیک قدرت‌های منطقه‌یی شدند.

به باور این نویسنده، جنبش مشروطه اول افغانستان بیشتر با نیازهای واقعی جامعه هماهنگ بود تا جنبش اسلامی کشور که نیم‌قرن بعد پا به عرصه وجود گذاشت. اهداف ده‌گانه نهضت مشروطه نخست، بیان‌گر نیازهای واقعی جامعه افغانستان بود که تا هنوز هم مصداقیت خویش را حفظ نموده است. این اصول عبارت بودند از: پابندی به ارزش‌های دینی، تلاش در جهت قانونمند ساختن نظام سیاسی و ایجاد حاکمیت ملی، مبارزه با سنت‌های اجتماعی ناپسند، طرح دوستی میان اقوام افغانستان، اصلاح جامعه از راه‌های مسالمت‌آمیز و پرهیز از استعمال سلاح و زور، تأکید بر نقش مطبوعات و آموزش و پرورش سالم، تأسیس شورای ملی از راه انتخابات آزاد، به دست آوردن استقلال سیاسی، تأمین مساوات و عدالت اجتماعی و بالاخره بسط مبانی مدنیت معاصر.

ما از دورانی که با ایدئولوژی‌های جدید آشنا شده‌ایم، شعارهای خیلی بلندبالایی را طرح نموده ایم؛ شعارهایی که نه خود و نه هم مردم ما ظرفیت حمل آن را داشته‌اند، چون فاقد پیش‌یا افتاده‌ترین مبادی و مبانی بوده ایم. سیدجمال را پرسیدند: رسالت مطبوعات در شرق چیست. گفت: برای مردم بفهمانند که هنگام غذا خوردن دست‌های‌شان را بشویند. به باور من، این

الگوی سیاسی خویش در زمینه حکومت‌داری می‌خواند، باید معتقد شد که جامعه و نظامی از این قماش مبتلا به سرطان خون بوده و تابلت‌های مسکنی که در بازار ایدئولوژی‌ها عرضه گردیده‌اند، توان درمان این درد را نخواهند داشت.

هویت‌های قومی و زبانی و نژادی همیشه با دو مشکل روبه‌رو بوده‌اند که یکی آن هویت‌زدایی است و دیگری تبعیض بر مبنای هویت خاصی. نشنلیم از راهکار اول سود برد و فاشیسم از راهکار دوم. چه‌طور می‌توان جلو نابودی هویت‌ها را گرفت و چه‌طور می‌توان از تبعیض و تعصب علیه گروه‌های قومی و زبانی و منطقه‌یی و نژادی جلوگیری نمود. چالش اصلی انسان عصر حاضر در نقاط مختلف جهان است. هستند جوامعی که هنرمندانه از این بحران عبور نموده و تهداب ثبات را با سنگ عدالت استحکام بخشیده‌اند که باید از تجارب آن جوامع موفق پیروی نمود که افریقای جنوبی از نمونه‌های درخشان آن به شمار می‌رود.

برای تحقق عدالت ملی، شکل دولت که قانون اساسی آن را تعیین نموده، خیلی مهم است. دولت‌های متمرکز نمی‌توانند این مشکل را حل کنند. برای حل تبعیض و برداشتن تعصب و قبیله‌پرستی و نژادگرایی لازم است تا مردمان هر محل و منطقه، در انتخاب مسولان خویش اختیار داشته باشند. این کار هم در بسط امنیت کمک خواهد نمود و هم یکی از مظاهر عدالت در جامعه خواهد بود.

ادبیات عموم اسلام‌گراها در جهان اسلام، از نبود اندیشه و برنامه و استراتژی روشنی در راستای تعامل با بحران‌های

هویتی جوامع اسلامی رنج

می‌برد. شاید رویارویی آن‌ها با جریان‌های قوم‌گرای چپ و راست، آن‌ها را در رابطه با این مسأله حساس، حساس‌تر ساخته و از همین جهت، با آن خیلی کلیشه‌یی، احساساتی و سطحی برخورد نموده‌اند. بلند کردن شعار "برادری اسلامی" و "وحدت ملی" و "تعصب بد است" و "دین ما را جمع می‌کند" و "کارهای خوب کنید و از کارهای بد پرهیز نمایید" و امثال آن بدون طرح مشخص و انگشت نهادن بر سر زخم واقعیت‌های عینی جامعه هیچ دردی را درمان نخواهد کرد. این‌که فردی و گروهی بیاید و در چهارراه رسانه‌ها فریاد برآرد که

های ای مردم! شما بروید به کشورهای همسایه که این سرزمین در قباله من و پدران من بوده و حق رهبری تنها از آن من است، و چنین فرد و یا افرادی به جای محاسبه و محاکمه در رأس نهادهای بسیار مهم قرار گیرند، و سپس چنین حرکت و گرایش با واکنشی روبه‌رو گردد، و باز گروهی ریش و عمامه‌دار را ببینی که تسبیح در دست و متون دین بر زبان وارد میدان شده و همه را با یک چوب می‌رانند، در چنین حالتی باید یقین حاصل کنی که آن‌ها یا مسلمان نیستند و یا هم این‌که این "شیخ"‌ها با آن "شاه"‌ها و "سخنه"‌ها، شریک جرم بوده‌اند.

جایگاه هویت‌های منشی در گفتمان نهضت‌های معاصر اسلامی (که نویسنده این سطور تا هنوز هیچ مطلبی را در خصوص آن نخوانده است)، نقدی است از درون که از اهل تخصص و تعهد انتظار داریم تا به شکلی تخصصی‌تر به آن بپردازند. این مقاله که برای رسانه‌های گروهی کشور نگاشته شده است، چیزی جز طرح این مبحث مهم نیست که خدا کند راهی را برای گفت‌وگوهای جدی‌تر باز نماید.

چنین باد!



تشخیص سیدجمال محصول عمری کار و تجربه بوده که با نخستین نگاه به اوضاع پایتخت این کشور به عمق سخن آن بزرگوار پی می‌بریم. یکی از نیازهای اساسی جامعه ما، رهایی از ذهنیت بدوی و سنت‌های قبیله‌یی است که هر کدام به اندازه‌یی دامن‌گیر آنیم. این ذهنیت پیش از آن‌که "غیر" را لطمه زند، "خویشتن" را از پا در خواهد آورد. اگر دغدغه پیاده کردن ارزش‌های اسلامی را در سر داریم، انبوهی از متون قرآنی و نبوی با این روحیه و ذهنیت سر جنگ داشته که باید از آن سود برد.

هر حرکت و جنبشی که نتواند به نیازهای اساسی و ضرورت‌های واقعی یک جامعه پاسخ دهد، پیری و سپس نابودی انتظارش را خواهد کشید. شکی نیست که طرح شعارهای خیلی بزرگ چون وحدت جهان اسلام و امت اسلامی، شعاری است که دهان را شیرین می‌کند ولی نخستین قدم در این راه باید عملاً با تعصب‌ستیزی آغاز گردد. در کشوری که بانی و موسس آن "عبدالرحمن خان" قوم بزرگی چون هزاره را به قلم خودش "خر بارکش مردم افغانستان" می‌خواند، و یا قبیله شینوار را با مار و عقرب مقایسه می‌کند، و پس از یک قرن تمام آدمی به نام حامد کرزی، می‌آید و چنین زمامداری را

پرسشی که مطرح می‌شود، اسلام‌گرایان افغانستان چه پاسخی به این پرسش‌ها دارند. یک راه این است که بر ریش در شکل و عبا و قبا در لباس و قلقله و تقخیم در سخن اکتفا نموده، شعارهایی عام سر داده، ولی در عمل هر کدام در خطوط قومی و قبیله‌یی تقسیم شده، مبادی حق و فرشته عدل را لگدمال نمایند. راه دوم این است که مصروف اذکار صباح و مساء شده، سر را چون شترمرغ زیر بته‌یی پنهان و همه واقعبت‌های جامعه را تجاهل نموده و راه حلی برای آن نداشته باشند. راه سوم این است که خود را پاسداران مرزهای حق و حریم عدالت دانسته، نه خود را فریب دهند نه دیگران را، و موقف خویش را در قبال مسایل ملی در میزان مبادی حق و عدالت بسنجند و از ملامت هیچ ملامتگری نهراسند.

تضادهای قومی و زبانی و مذهبی پیوسته در جهان اسلام وجود داشته است، ولی آن‌چه به نام بحران هویت‌های قومی و مسأله ملی می‌شناسیم، بیشتر زاده دولت‌های ملی پسااستعمار است. این درست است که جنبش‌های اسلامی نقشی در ایجاد آن نداشته‌اند، ولی آن‌ها که پرچم حق و آزادی را برافراشته و ملت‌های‌شان را وعده عدالت و وحدت داده‌اند، باید طرحی برای حل این مشکل هم می‌داشتند. جنبش اسلامی در افغانستان با همه



دکتر محمد امین احمدی
رییس و استاد دانشگاه ابن سینا

بخش دوم

۱. نوگرایان مسلمان نسل نخست از قبیل محمد عبده و اقبال لاهوری کوشیده‌اند عقلانیت جدید را بپذیرند. آن‌ها در پذیرش این‌که علوم تجربی روش نو و مفید برای مطالعه طبیعت به دست داده است و باید از آن بهره برد، تردید نکرده‌اند. اقبال لاهوری مدعی است که اساساً قرآن با تأکید مکرر بر تأمل در جهان، به نوعی خواسته است که نوعی عقل‌گرایی تجربی و استقرایی در میان انسان‌ها پدید آید. (Sir Mohammad Iqbal, The Reconstruction of Religious Thought In Islam (New Delhi, 1981), p. 125 - 127)

اما مسأله مهم در دو جای پدید می‌آید: نخست این‌که اگر عقل تجربی و استقرایی که در فهم طبیعت مرجعیت دارد با فهم ما از نصوص دینی در تعارض قرار گرفت، کدام یک باید مقدم شود؟ می‌دانیم که عقل‌گرایی مدرن به طور واضح عقل را مرجع نهایی می‌داند. دوم اعتقاد به مرجعیت عقل در موضوعات دینی، اخلاق، سیاست و قانون‌گذاری در عقل‌گرایی مدرن است. در عقل‌گرایی مدرن عقل می‌تواند خود دین، نظام الهیاتی، متون دینی و نحوه شکل‌گیری این متون را به لحاظ تاریخی و زبانی با روش‌های خود موضوع پژوهش آزاد و انتقادی و تحلیلی قرار دهد. قانون‌گذاری و سیاست بر مبنای برنامه‌ریزی عقلی و بر مبنای سنجش عقلانی سود و زیان آن استوار باید باشد. از اخلاق، قانون و سیاست اسطوره‌زدایی و راززدایی می‌کند و گویا در این حوزه چیزی فراتر از فهم و تحلیل عقلی انسان که به عنوان راز سر به مهر و عقل بشری که در آن نباید چون و چرا کرد، وجود ندارد. عقل‌گرایی مسلمان در خصوص تعارض علوم تجربی و دین از یک اصل کلی نسبتاً قدیمی پیروی می‌کند که در موارد مخالفت ظواهر نصوص دینی با یافته‌های عقلانی، ظواهر نصوص دینی را تأویل باید کرد. لکن این بحث هنوز با جزئیات خود با تمامی ابعاد خویش در بخش‌های گوناگون متون و نصوص دینی به کار برده نشده است. در این خصوص می‌توان به اجمال گفت که در رویکردی نسبتاً علم‌گرایانه، قرآن و احادیث بر اساس علوم تجربی تفسیر و تأویل می‌شود. اما در رویکرد فلسفی‌تر برخی آیات و احادیث فراتجربی دانسته می‌شوند که از وجوه گوناگون عالم غیب و معنا خبر می‌دهند و باید آن‌ها را بر اساس عقل کلی و یا شهودی فهم کند. در واقع این دیدگاه بر وجود عقلانیت چندبعدی که از روش‌های گوناگون بهره می‌برد، تأکید می‌کند و عقلانیت مدرن را در تأکید بیش از اندازه‌اش بر روش علمی نوعی ایدئولوژی می‌داند. لکن عقل‌گرایان مسلمان در مورد آن دسته از نصوص دینی که جهان‌شناسی متعارض با جهان‌شناسی علمی ارائه می‌دهند، به تفصیل بحث نکرده‌اند و لوازم عقل‌گرایی و التزام به عقل و روش علمی را در این موارد به کار نبرده‌اند. برای مثال، در مورد حدیث التزام به روش علمی و پژوهش‌های مردم‌شناسانه و روش‌های جدید نقد تاریخی، خوانش، نقد و تحلیل متون، می‌تواند تعارض برخی از این احادیث را از این حیث که تا چه اندازه حامل نوعی جهان‌شناسی ماقبل علمی، اسطوره‌یی و مانند آن است، نشان دهد. در واقع تا کنون این روش به تفصیل در نقد متون دینی به کار نرفته است. مشکل اساسی در این خصوص این است که تا چه اندازه به کار بردن این روش با دین‌داری سازگار است و همچنین این ترس نیز وجود دارد که به‌کارگیری آن به‌جای این‌که به فهم دین و شناخت آن کمک کند، به تقلیل آن بینجامد. برای غلبه بر این مشکل روش‌های دین‌پژوهانه جدید

اسلام و تمدن

در کنار آرایه یک نظام الهیاتی که به فهم حداکثری متون دینی و دین بدون تقلیل آن بینجامد، ابعاد و عوامل دیگر نیز لازم است. ممکن است در این‌جا ادعا شود که ممکن است این نوع نگاه نوگرا، مسلمان را از پروژه عقلانیت جدید خارج کند. در جواب باید گفت که عقلانیت جدید امکان بازسازی و صورت‌بندی‌های گوناگون را در ذات خود دارد. مهم‌ترین عاملی که این ظرفیت را به عقلانیت جدید بخشیده، نقدپذیری و گشوده‌گی آن است. اما در فهم حقیقت الوهی، وحی و دین سنت فلسفی عقل‌گرا در میان مسلمانان از قدیم وجود داشته است. فیلسوفان و عارفان بزرگ مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، غزالی، ابن عربی، خواجه نصیرالدین طوسی و صدرالدین شیرازی حقیقت دین، وحی و امر الوهی و حقیقت متعال قدسی را به روش عقلی توضیح داده‌اند. هرچند نوگرایان جهان عرب کمتر در این عرصه اندیشیده‌اند و بعضاً به نوعی الهیات نقلی روی آورده‌اند، اما اقبال لاهوری کوشیده است با الهام از فلسفه و الهیات مدرن غرب، حقیقت وحی و پیامبری را تحت عنوان

اسلام و تمدن

جامعه مشخص نشده است و در نتیجه به خرد و تصمیم اهل شورا واگذار شده است. سنت‌گرایان تصمیم عصر صحابه را در حد نص و سنت دینی ارتقا داده و از حد یک تصمیم اساساً مدنی و سیاسی فراتر برده و جنبه قدسی و فراتاریخی به آن داده است. اما عقل‌گرایان نگاه تاریخی به این موضوع داشته و مانند هر تصمیم سیاسی تاریخی دیگر قابل تحلیل و نقد تاریخی می‌دانسته و نقد آن را مساوی با نقد نصوص دینی نمی‌دانند و در نهایت، آن را یک اجتهاد متناسب با زمانه خویش به حساب می‌آورند و اذعان می‌کنند که اجتهاد «مصلحت‌بنیاد» یک عصر، نهایتاً برای همان عصر حجت است نه برای عصرهای دیگر. به همین دلیل عهده قابل است که تیوکراسی در اسلام وجود نداشته و حکومت در اسلام خصلت مدنی دارد. به باور عهده، قانون‌گذاری نیز خصلت مدنی و عقل‌گرایانه دارد. چون به اعتقاد او حوزه معاملات به معنی الاعم اولاً در اغلب موارد احکام از پیش تعیین شده در نصوص ندارند و در واقع در این حوزه عمدتاً با فقدان نص مواجهیم و طبیعتاً اجتهاد در این حوزه بر



نوعی تجربه دینی و عرفانی توضیح دهد. (همان) این رویکرد، یعنی رویکرد فلسفی و دین‌پژوهانه به فهم و شناخت حقیقت دین، وحی، حقیقت متعالی و امر قدسی توسط متألهان و الهیدانان مسلمان در دنیای انگلیسی‌زبان نظیر فضل‌الرحمن، سید حسین نصر و در ایران جدید به شکل وسیع‌تر نسبت به گذشته به کار گرفته شده است. در واقع، همان‌گونه که پیش از این اشاره کردیم، عقلانیت مدرن به صورت‌های گوناگون قابل صورت‌بندی است و نمونه منحصراً به فرد و یا اعلائی آن، نگاه پوزیتیویستی به معرفت نیست. به همین دلیل پژوهش عقلی در مورد دین، معرفت‌شناسی دینی و این‌که میزان و معیار معقولیت در باور به گزاره‌های دینی چیست را ممکن ساخته است و این رویکرد کم و بیش از سوی نواندیشان مسلمان به کار گرفته شده و در چارچوب عقل‌گرایی مدرن قابل توسعه است. اما کاربرد عقل در حکومت، سیاست و قانون‌گذاری و مدیریت جامعه حوزه‌یی است که نوگرایان مسلمان سخن زیاد برای گفتن دارند که به ترتیب تاریخی توضیح می‌دهم:

محمد عبده اصل نظام سیاسی در اسلام را که عمدتاً در چارچوب خلافت رایج شده است، مبتنی بر اجتهاد اهل رأی صدر اسلام می‌داند و پیروی از این اجتهاد را که مربوط به آن زمان است برای اهل اجتهاد زمان‌های دیگر الزام‌آور نمی‌داند. دلیل عمده اتخاذ این رأی این است که نظریه خلافت مبتنی بر فقدان نص است و بر این فرض اساسی مبتنی است که از سوی نصوص دینی به صورت پیشینی نظام از پیش تعیین شده برای رهبری سیاسی

واقع نوعی عقلانیت را فعال کرد. این عقلانیت در بخشی از آن دعوت به تجربه و استقرا بوده است و در بخشی مربوط به قوانین اجتهاد اساساً خردورزانه اهل رأی و نظر در قالب اجماع و شورا است. چون به اعتقاد اقبال هدف اساسی قرآن، تعلیم اصول ابدی معنوی بوده است نه تعلیم قوانین مدنی و جزایی ثابت. به اعتقاد او قرآن کتاب قانون مدنی نیست. منبع مهم دیگر اجتهاد نص بنیاد و نقلی، حدیث است و حدیث به باور او همان‌گونه که پیشوای حنفیان قرن‌ها قبل معتقد بود، منبع و مرجع قابل اعتماد برای اجتهاد و کشف حکم واقعی خداوند نیست. بنابراین نصی نیست تا بر خرد مسلط باشد بلکه اسلام عمداً سلطه نص را از خرد جمعی انسان برداشته است و او را به بهره‌گیری از نوعی خرد نقاد فراخوانده است. (The Reconstruction of Islamic Thought, p. 148 - 149, 165 - 168, 171 - 174, 177 - 178).

۲. اما در مورد فردگرایی و لیبرالیسم باید گفت که به اعتقاد نوگرایان مسلمان، اسلام در ذات خود حامل نوعی معنویت و اخلاق مهم دینی است و از فرد می‌طلبد که رفتار خود را با آن هماهنگ سازد و به معنویت و فضیلتی که این دین معرفی می‌کند خود را آراسته سازد. همچنین وظیفه اخلاقی فرد می‌داند که خانواده و جامعه خویش را به اخلاق و معنویت اسلامی فرا بخواند و در تربیت اعضای خانواده و جامعه خویش بر طبق این فضیلت‌ها کوشش کند. اما در عین حال اساس این دعوت را بر حکمت و موعظه حسنه استوار می‌داند، نه بر تحکم و خشونت. آزادی افراد را در داشتن عقاید متفاوت و احیاناً نظام اخلاقی دیگر می‌پذیرد. این آزادی را برخی از نوگرایان مسلمان، بر اساس آرایه نوعی الهیات لیبرال استوار می‌کنند.

الهیات لیبرال را در تقابل با الهیات سخت‌کیشانه و ارتدوکسی فهم باید کرد. در الهیات ارتدوکسی، ادیان دیگر و کوشش معنوی آن‌ها برای نجات و رستگاری نادیده گرفته می‌شود و در اسلام نیز تنها بر یک روایت منحصر به فرد از اسلام تأکید می‌شود و در نتیجه دین و مذهب، خود را یگانه راه نجات و رستگاری دانسته و مالک حقیقت مطلق تلقی می‌کند. همچنین، ارزش انسان‌ها را در میزان پیروی‌شان از این دین و مذهب خاص می‌سنجد و به خود اجازه می‌دهد که دین و اعتقادات مذهبی خود را بر مناسبات اجتماعی و حقوقی جامعه و افراد در چارچوب یک دولت تحمیل کند. این دیدگاه، فاقد دیدگاه تاریخی و معرفت‌شناسانه به ادیان و مذاهب است و چه‌گونه‌گی روند شکل‌گیری ادیان، مذاهب، متون دینی و صورت‌بندی‌های الهیاتی را به لحاظ تاریخی که در تعامل با سویه‌های فرهنگی، اجتماعی و اساساً بشری شکل گرفته‌اند و نسبت آن‌ها را با امر مقدس و تجارب دینی نادیده می‌گیرد. اما الهیات لیبرال، نگاه تاریخی و معرفت‌شناسانه به ادیان دارد. بر این اساس، به انحصار امر مقدس در یک دین خاص باور ندارد، و همه مذاهب و صورت‌بندی‌های الهیاتی را کوشش بشری برای فهم ایمان و متون مقدس می‌داند که در شکل‌گیری آن‌ها علاوه بر منظومه‌های معرفتی و دانش روزگار، جدال‌های سیاسی زمانه و اراده کسب مشروعیت بر اساس کلام مقدس نیز دخیل بوده است.

مبنای اصول کلی و عمومی اسلام خواهد بود، ثانیاً اساساً این حوزه مانند عبادات و شعایر دینی نیست که اسرار آن فوق عقل دانسته می‌شوند، بلکه جنبه عقلایی دارند و مصالح موجود در این احکام توسط عقل قابل درک است و لذا در حوزه اجتهاد اهل رأی و نظر نه بر مبنای نصوص بلکه بر اساس اصول و قواعد کلی که عمدتاً ساختار عقلایی دارند، قرار دارند. به همین دلیل عهده معتقد است که اسلام نوعی از عقلانیت را در ساختار خود فعال کرده است. (در این مورد نگارنده تحقیقی دارد تحت عنوان انتظار بشر از دین از دیدگاه محمد عبده و رشید، آرایه شده در مجموعه‌یی تحت عنوان «انتظار بشر از دین از دیدگاه متفکران مسلمان دو قرن اخیر»، ج ۲ (مرکز تحقیقات استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵)، در این نوشتار از آن تحقیق استفاده کرده‌ام. یادآوری می‌کنم که نگارنده این سطور ذیل عنوان انتظار بشر از دین از دیدگاه متفکران مسلمان دو قرن اخیر، دیدگاه ۲۲ متفکر مسلمان را بررسی کرده که در ۳۳ جلد توسط مرکز تحقیقات استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ به صورت محدود منتشر شد و در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت.)

فعال ساختن نوعی خاص از عقلانیت تحت عنوان اجتهاد دیدگاهی است که اقبال آن را ابزاری می‌داند که اسلام برای سازگار ساختن اصول ابدی و ثابت خود که عمدتاً جنبه معنوی دارند با تحول و تغییر که لازمه یک زندگی پویا و رو به تحول است، به کار گرفته است. اقبال معتقد است که اسلام در میانه دنیای جدید و قدیم ظهور کرد و لذا در رسالت خود بر بلوغ عقلی بشر اتکا کرد و در

کمیسیون حقوق بشر:

طالبان در کندز مرتکب نقض گسترده

حقوق بشر شده اند

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارشی «بررسی حقوق بشر و حقوق بشرخوانانه در منازعات شهر کندز» را نشر کرد. گزارش حاکیست که طالبان در شهر کندز مرتکب نقض گسترده حقوق بشر شده اند.

این کمیسیون گفته است که در جریان منازعه مسلحانه در کندز، شمار زیاد افرادی قربانی شده اند که هیچ نقش و سهمی در جنگ نداشته اند.

کشتار هدفمند در این گزارش آمده است که طالبان پس از تصرف شهر کندز دست به کشتار هدفمند زده اند: «یافته‌های کمیسیون نشان می‌دهد که گروه طالبان پس از تصرف شهر کندز، شماری از مردم را به قتل رسانده، که قتل سه نفر از غیرنظامیان که ابتدا از خانه‌های شان دستگیر شده و سپس به صورت فجیعانه‌ای به قتل رسیده‌اند، برای کمیسیون تثبیت است.»

طالبان یک سر معلم مکتب را نیز در شهر کندز به دلیل معلم بودن کشته‌اند.

کمیسیون حقوق بشر گفته است که دلیل کشتار این افراد وابستگی آن‌ها به نهادهای دولتی عنوان شده است ولی به باور کمیسیون مستقل حقوق بشر چنین قتل‌هایی مخالف با موازین حقوق بشری انسان‌ها است.

شلیک بر غیرنظامیان یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نشان می‌دهد که در جریان جنگ در شهر کندز ده‌ها تن

از افراد ملکی هدف قرار گرفته و جان شان را از دست داده‌اند. براساس گزارش، ۵۰ تن از غیرنظامیان در منازعه کندز کشته شده و ۳۵۰ تن دیگر زخم برداشته‌اند. در گزارش آمده است که کودکان و زنان نیز در بین زخمی‌های این رویداد بوده‌اند.

این گزارش به نقل از شاهدان عینی گفته است طالبان ۱۵ تن از افراد ملکی را هنگامی که می‌خواستند از خانه‌های شان فرار کنند، هدف قرار داده و کشته‌اند.

طالبان همچنین ۵ تن را در منطقه بالاحصار کندز کشته و ۲۵ تن دیگر را زخمی کرده‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفته است که آمار کشته شده‌ها و زخمیان منازعه کندز از طریق گزارش رسمی شفاخانه‌های فعال در شهر کندز به دست آمده و به هیچ وجه در برگیرنده تلفات کلی در شهر کندز نیست. گزارش گفته است ممکن است که آمار کشته‌ها و زخمی‌های این رویداد به مراتب بیشتر از این باشد.

براساس این گزارش، در نتیجه بمباران شفاخانه داکتران بدون سرحد ۲۲ تن به شمول داکتران بدون سرحد و مریضان کشته شده و ۳۷ تن دیگر زخم برداشته‌اند.

تجاوز جنسی

گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان می‌دهد که طالبان در شهر کندز مرتکب تجاوز جنسی نیز شده‌اند. کمیسیون به نقل از مردم محل گفته است که طالبان در خانه‌های مردم داخل شده و بر زنان تجاوز

نیروهای افغان و حمایت از عملیات ضدتروریستی. وی افزود: در مقایسه با زمانی که بیش از یکصد هزار سرباز در افغانستان داشتیم، امروزه کمتر از ۱۰ هزار تن از آن‌ها باقی مانده است. نظامیان افغانستان به تقویت خود ادامه می‌دهند. این اولین فصل از مبارزاتی بود که افغان‌ها تا حد زیادی به خود متکی بودند. نظامیان افغانستان آنچنان که باید قدرتمند نیستند. آن‌ها همچنان در حال توسعه قابلیت‌های خود هستند.

رییس جمهوری امریکا در ادامه گفت: من تصمیم گرفتم که ۹۸۰۰ سرباز خود را طی سال ۲۰۱۶ در افغانستان حفظ کنیم. مأموریت آن‌ها تغییر نخواهد کرد. به جای اینکه تا پایان سال ۲۰۱۶، تعداد نظامیان کاهش یافته و در حد حفاظت از سفارت ما در کابل باشد، ما ۵۵۰۰ نظامی خود را در تعداد اندکی از پایگاه‌ها حفظ خواهیم کرد.

وی گفت: ما به همکاری خود با شرکا و متحدانمان ادامه می‌دهیم تا با برداشتن گام‌هایی و (ادامه) حضور در افغانستان پس از سال ۲۰۱۶، با ما همراه شوند. تلاش‌ها برای بر ارمان آوردن پیشرفت و عدالت برای مردم افغانستان نیازمند حمایت مستحکم ایالات متحده است. برای مردم افغانستان که شدیداً آسیب دیده‌اند، پایبندی امریکا به شما - برای ایجاد یک افغانستان ایمن، پایدار و متحد - همچنان به طور مستحکم ادامه خواهد داشت.

او با افزودن: این مأموریت برای منافع امنیت ملی ما در جلوگیری از حملات تروریست‌ها علیه شهروندان و کشورمان حیاتی است. پس از سال‌ها جنگ،

دشمن موفق به عملی کردن برنامه‌هایش در افغانستان شود.

این نخستین سفر یک مقام بلندرتبه دولتی پس از حمله طالبان پس از آغاز سال جاری حملات‌شان را بر بیشتر بخش‌های کشور به ویژه ولایت‌های شمالی شدت بخشیدند، این گروه چندی پیش توانست برای نخستین بار در جریان ۱۴ سال گذشته مرکز شهر کندز را به تصرف گیرند. با این که شهر کندز پس از سه روز دوباره به کنترل دولت درآمد، اما نگرانی‌های باشندگان کشور نسبت به فعالیت این گروه بیشتر از پیش افزایش یافت.

اجازه نمی‌دهیم افغانستان...

باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا گفت: نیروهای امنیتی افغانستان به اندازه کافی به منظور مدیریت وضعیت امنیتی «بسیار شکننده» این کشور قدرتمند نیستند و امریکا در سال ۲۰۱۶ همچنان ۹۸۰۰ نیروی خود را در این کشور حفظ خواهد کرد.

رییس جمهوری امریکا عنوان کرد که اجازه نمی‌دهد افغانستان به پناهگاه تروریست‌هایی تبدیل شود که به دنبال حمله به کشورمان هستند.

باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا در سخنانی گفت: دسامبر گذشته بود که مأموریت جنگی امریکا در افغانستان به یک سرانجام مسئولانه رسید. من سال گذشته از نظامیان کشورمان در افغانستان دیدار کردم تا به نمایندگی از ملت بزرگمان از آن‌ها تشکر کنم. آن‌ها ضربه‌ای ویران‌کننده به رهبری القاعده وارد کردند و عدالت را در مورد بن‌لادن اجرا کردند.

وی گفت: امروزه، دیگر نیروهای امریکایی در روستاها و دره‌های افغانستان گشت‌زنی نمی‌کنند ... این مأموریت هم‌اکنون برعهده افغان‌ها است. در حالی که عملیات نظامی امریکا در افغانستان شاید پایان یافته است اما تعهد ما به افغانستان و مردم آن ادامه دارد.

اوباما تأکید کرد: به عنوان فرمانده کل قوا، اجازه نمی‌دهم از افغانستان به عنوان پناهگاهی برای تروریست‌ها به منظور حمله به کشورمان استفاده شود. وضعیت امنیتی در افغانستان هنوز بسیار شکننده است. نظامیان ما در این شرایط دو مأموریت محدود و مشخص را برعهده خواهند داشت - آموزش

شمال را تصفیه...

افراد غیرنظامی آسیب نینند. غنی هم‌چنان از اعمار ساختمان‌هایی در کنار نهادهای امنیتی خبر داد و گفت که کار این ساختمان‌ها برای اسکان خانواده‌های نیروهای امنیتی تا سال آینده آغاز خواهد شد.

رییس جمهور در این سفر به شماری از نیروهای امنیتی از جمله مرادعلی مراد، معاون ستاد ارتش مدالی‌هایی را به پاس کارکردهای‌شان در جریان رویداد کندز اعطا کرد.

معاون ستاد ارتش نیز در این نشست طالبان را روی سیاه عنوان کرد و گفت که این گروه در رویداد کندز شکست خوردند. او افزود که در هیچ صورتی اجازه نمی‌دهند

بزرگان مشرقی طی یک گردهمایی: حکومت ناامنی‌ها در شرق کشور را مورد توجه قرار نمی‌دهد



بزرگان قومی شرق کشور، طی یک نشست اعتراضی می‌گویند که شرق در حال ناامن شدن است و حکومت به این مساله هیچ توجهی ندارد.

تحرکات داعش در ننگرهار، حملات پاکستانی‌ها در نورستان و کنر، جابه جایی صدها طالب در لغمان و کنر از نگرانی‌هایی است که این بزرگان قومی بدان اشاره کردند. آنها معتقدند که حکومت به این مساله هیچ واقعی نگذاشته و به ناامن شدن این مناطق بی توجه است.

آنها می‌گویند که دولت با ساده ترین عمل پیشگیرانه می‌تواند بحران امنیتی را در این مناطق مهار کند؛ اما مشخص نیست که چرا این وظیفه را به عهده نمی‌گیرد.

در این جمع که نمایندگان مجلس، علمای دینی، سران قومی و فعالین مدنی از ولایاتی چون نورستان و کنر و ننگرهار و لغمان شرکت کرده بودند؛ بیشترین توجه روی زون شرق کشور - ننگرهار - متمرکز بود.

این جمع خطاب به دولت تأکید کردند که آماده همکاری همه جانبه با حکومت و ارگانهای امنیتی هستند؛ تا امنیت گذشته، دوباره به این مناطق برگردد.

مساله ملیشه سازی و استفاده از گروههای مسلح غیرقانونی در این مناطق، از دیگر مباحث این جمع بود.

برخی فعالین مدنی، در این جمع تأکید کردند که شماری از مقامات محلی در ننگرهار و لغمان، برای حفاظت شخصی خود، اقدام به ملیشه سازی می‌کنند که این گروههای مسلح، فعالیت غیرقانونی از جمله زورگویی، غصب زمین و قاچاق موادمخدر را به عهده دارند.

نگرانی‌ها از افزایش ناامنی در شرق کشور در حالی ابراز می‌شود که هفته گذشته، یک سناتور امریکایی به صراحت بیان کرده بود که داعش، قصد تمرکز در افغانستان را دارد و قرار است ولایت ننگرهار، به عنوان پایگاه اصلی این گروه مورد استفاده قرار گیرد.

نگرهار به دلیل هم مرز بودن با پاکستان که یک مسیر تجارتهای مهم نیز برای افغانستان محسوب می‌شود؛ از مناطق حساس و پول ساز کشور به شمار می‌رود که به باور این مقام امریکایی، نقطه تمویل این گروه از سوی پاکستان نیز محسوب می‌شود.

ناامن شدن کشور باعث خیزش مردم و در راس آن فرماندهان اسبق جهادی شده است.

فرماندهان جهادی مدعی اند که رفتن افغانستان به سمت بحران، نتیجه به حاشیه راندن مجاهدین است و حکومت باید به نقش مجاهدین و تأثیر آنها بر کنترل اوضاع بیش از این توجه کند.

طالبان کندز در...

به گفته آقای صالح در میان کشته‌شده‌ها شش تن از فرماندهان طالبان نیز دیده می‌شود. او می‌گوید که اگر این عملیات ادامه یابد خروار به کلی از وجود طالبان پاک خواهد شد. سخن‌گوی والی لوگر افزود که از چهارده سال به این سو مناطقی از این ولسوالی به تصرف طالبان قرار داشت که مناطقی از لوگر و ولایت‌های پکتیا و میدان‌وردک با تهدید روبه‌رو بودند.

حسب‌الله ستانکزی، رییس شورای ولایتی لوگر نیز این عملیات را مثبت خواند، اما از نیروهای امنیتی خواست تا برای تأمین بهتر امنیت در این ولسوالی پس از عملیات هم حضور داشته باشند.

طالبان پس از افزایش حملات تهاجمی از آغاز سال جاری به این سو، برای نخستین بار نزدیک به پانزده روز پیش توانستند مرکز ولایت کندز را به تصرف گیرند. با این که نیروهای امنیتی دوباره کنترل کندز را در دست گرفتند، اما به گفته مسؤولان امنیتی تصرف این ولایت سبب روحیه‌گیری این گروه شده و آنان حملات‌شان را بر ولایت‌های بغلان، بدخشان، لوگر و غزنی نیز افزایش دادند.

شرایط افغانستان...

مختلف در حال گسترش است و آنها اهداف خود برای پیشروی بیشتر را پنهان نمی‌کنند.»

رییس جمهور روسیه افزود: یکی از اهداف ترویس‌ها نفوذ در آسیای مرکزی است. مهم است که برای مقابله با این برنامه آنها آماده‌گی داشته باشیم.

روسیه در کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان پایگاه نظامی دارد و این کشورها بدلیل داشتن ساختار نظامی ضعیف همواره خواستار حفاظت از مرزهای جنوبی خود با افغانستان هستند.

ورزش



کاسیاس:

مسی سخت‌ترین بازیکنی است که مقابلش بازی کرده‌ام

بوده است که تا با حال داشته‌ام، همیشه مسی. من چند بار برابر او بازی کرده‌ام. کاسیاس ۳۴ ساله در ادامه به معرفی بهترین واکنش‌های خود پرداخت. او بهترین واکنش‌های خود را آنهایی می‌داند که در یک دوره لیگ قهرمانان اروپا و جام جهانی داشت.

سنگریان حال حاضر تیم فوتبال پورتو تأکید کرد: واکنشی که من در فینال لیگ قهرمانان سال ۲۰۰۲ برابر بایرلورکوزن داشتم و واکنشی که برای مهار ضربه آرین روبن در بازی اسپانیا و هلند در فینال جام جهانی ۲۰۱۰ انجام دادم، بهترین واکنش‌هایم بوده‌اند.

کاسیاس که محصول آکادمی باشگاه رئال مادرید است، سپس به فراز و نشیب‌های دوران بازیگری‌اش در سانتیاگو برنابئو که به او برای تبدیل شدن به یکی از بهترین دروازه‌بانان دنیا کمک کرد، اشاره داشت.

او عنوان کرد: شما از نظر روانی باید بسیار قوی باشید. دروازه‌بانی یعنی قبول کلی ریسک، یعنی شجاعت و هوش. من از دوران کودکی از دروازه‌بانی لذت می‌بردم چون هر بار که با پدرم بازی می‌کردم، او حاضر نمی‌شد در این پست بازی کند. یاد نمی‌آید که گل خاصی خورده باشم. هر گلی که می‌خورم مرا بسیار عصبانی می‌کند.

کاسیاس در ادامه به وضعیت کنونی خود در پورتو اشاره داشت و به تمجید از هم‌تیمی‌های جدید خود به خصوص هلتون، دروازه‌بان دوم پورتو پرداخت.

کاپیتان پیشین کهکشانی‌ها که تابستان امسال به دوران ۱۶ ساله بازیگری‌اش در رئال مادرید پایان داد، در اظهار داشت: رابطه‌ام با تمام بازیکنان پورتو خوب بوده است. هلتون اما جالب‌ترین بازیکن تیم ماست. او همیشه می‌خندد و سرخوشی‌اش را به سایر اعضای تیم هم منتقل می‌کند.

کاسیاس که این فصل در تمام بازی‌های پورتو به میدان رفته، تاکنون چهار گلین شیت (بازی بدون گل خورده) در کارنامه‌اش ثبت کرده است.



کاپیتان پیشین کهکشانی‌ها مهاجم آرژانتینی بارسلونا را به عنوان سرسخت‌ترین رقیبی که مقابل او بازی کرده است، دانست.

ایگر کاسیاس گفت سخت‌ترین کار برای او در دوران بازیگری‌اش مهار ضربات لیونل مسی در ال‌کلاسیکوها بوده و اینکه مهاجم آرژانتینی بارسلونا بهترین بازیکنی است که تا به حال مقابلش بازی کرده است.

کاسیاس در گفت‌وگو با سایت یوفا اظهار داشت: مسی سخت‌ترین حریفی



بیل از رونالدو عذرخواهی کرد

مهاجم ولزی از کریستیانو رونالدو به خاطر سخنان منتشر شده اخیرش عذرخواهی کرد.

به گزارش آس، گرت بیل پس از صعود ولز برای اولین بار به جام ملت‌های اروپا در حال سپری کردن بهترین لحظات زندگی خود است. رئال مادرید و سرمری تیم رافائل بنتیس پس از این اتفاق به او تبریک گفتند، اما در روزهای گذشته اخباری در رسانه‌ها مبنی بر مسخره شدن کریستیانو رونالدو توسط مدیر برنامه‌های بیل انتشار یافت و موجب به وجود آمدن حواشی برای این بازیکن شد.

روز گذشته بیل به مادرید بازگشت و زمانی که به والدیباس، کمپ تمرینی رئال مادرید رفت در ابتدا با رونالدو احوال پرسری کرد و از او به خاطر اخبار منتشر شده عذرخواهی کرد. همچنین هر دو به دلیل کسب تلاش طلای اروپا و صعود ولز به جام ملت‌های اروپا به یکدیگر تبریک گفتند. البته به نظر نمی‌رسد رونالدو از بیل ناراحت شده باشد چون می‌داند که بیل مسئول حرف‌های مدیر برنامه‌هایش نیست.

جاناتان برنات مدیر برنامه بازیکن ولزی پس از صعود این کشور به یورو ۲۰۱۶ گفت: بیل می‌خواهد بهترین بازیکن جهان شود، نه این که همچون رونالدو بهترین مدل دنیا یا بهترین مدل لباس شود.

مدیر برنامه بیل پس از انتشار این خبر روز پنجشنبه واکنش نشان داد و اعلام کرد که هیچگاه از رونالدو انتقاد نکرده است. همچنین این اخبار را رد کرد و گفت: من این سخنان احمقانه و بی پایه و اساس را نگفتم. این اطلاعات مضحک از جانب روزنامه نگاران خلق شده و داستان ساختگی برخی از آن‌هاست.

بزرگ‌ترین اشتباه فرگوسن

در منچستر یونایتد

سرمری پیشین و اسطوره‌ی شیاطین سرخ بزرگ‌ترین اشتباهی که در طول ۲۶ سال سرمریگری‌اش در منچستر یونایتد مرتکب شد را فاش کرد.

سرالکس فرگوسن که در ۲۶ سال مربیگری خود در منچستر یونایتد ۳۸ عنوان قهرمانی برای این تیم کسب کرد، تصمیم عجولانه‌اش برای اعلام بازنشستگی در ابتدای فصل ۲۰۰۱-۰۲ را بزرگ‌ترین اشتباه خود در زمان حضورش در این تیم خواند چرا که اعتقاد دارد در آن زمان تأثیر منفی روی کادرفنی و بازیکنانش گذاشت.

فرگوسن که در پایان فصل ۲۰۱۲-۱۳ و در پی بیستین قهرمانی منچستر یونایتد در لیگ برتر از دنیای مربیگری خداحافظی کرد، به شبکه تلویزیونی «ESPN» گفت: گوش فرا داد به توصیه‌های کادرفنی امری مهم است. در سال ۲۰۰۵، سالی که ما هیچ عنوانی کسب نکردیم، درست پیش از اعلام بازنشستگی بود به این موضوع فکر کردم که این تصمیم من ممکن است چقدر روی بقیه اعضای کادرفنی و بازیکنان تأثیر بگذارد. این کارم اشتباه بود و همسر و سه پسرم خواستند که در تصمیمم برای رفتن از مربیگری تجدیدنظر کنم.

وی افزود: بزرگ‌ترین اشتباه من اما زمانی بود که در شروع فصل ۲۰۰۱-۰۲ می‌خواستم اعلام بازنشستگی کنم. به کادرفنی و بازیکنانم هم خیلی فکر می‌کردم، اینکه آنها بعد از بازنشستگی من چه وضعیتی پیدا خواهند کرد. آنها با خود می‌گفتند «او، سرمری دارد تیم را ترک می‌کند»، ولی در ماه ژانویه بود که نظرم تغییر کرد و بار دیگر به منچستر یونایتد فکر کردم و اینکه چطور می‌توانم مجدداً به اوج بازگردیم.

فرگوسن در تکمیل صحبت‌های خود اظهار داشت: پس از آن بود که وین رونی و کریستیانو رونالدو به منچستر یونایتد ملحق شدند و تیم را احیا کردیم. منچستر یونایتد در مقطعی به خواب فرو رفته بود، دیگر غفلت کافی بود و پس از آن دوره بود که روزهای درخشان‌مان کلید خورد و تعداد عناوین قهرمانی لیگ که به دست آوردیم، فوق‌العاده بود.



رائول:

خداحافظی

از فوتبال تصمیم سختی بود

ستاره سابق رئال مادرید که افتخارات زیادی با این تیم کسب کرد ماه آینده از فوتبال خداحافظی خواهد کرد. او این تصمیم را تصمیم سختی برای خود خواند.

به گزارش مارکا، رائول گونسالس بلانکو، ۳۸ ساله که در حال حاضر در تیم کاسموس آمریکا توپ می‌زند، اواخر ماه آینده برای همیشه از فوتبال خداحافظی کرد و اعلام کرد که تصمیمش را تغییر نخواهد داد.

رائول که در کنار کریستیانو رونالدو، برترین گلزن رئال مادرید است، تنها چند بازی دیگر برای نیویورک کاسموس انجام خواهد داد و با پایان فصل از فوتبال خداحافظی خواهد کرد. او درباره تصمیمش مبنی بر خداحافظی از فوتبال گفت: وقتی برای نیویورک قرارداد امضا کردم، گفتم که شرایط را برای تمدید قراردادم خواهم سنجید و اکنون پس از سنجیدن شرایط عنوان می‌کنم که نمی‌توانم به فوتبال ادامه دهم و ماه آینده از فوتبال خداحافظی خواهم کرد. تصمیم سختی بود. حالا فقط به یک پایان با شکوه از فوتبال فکر می‌کنم. فوتبال بازی کردن بخشی از زندگی من است و به همین خاطر سخت بود که از آن خداحافظی کنم. از همه کسانی که به من کمک کردند در این راه قرار بگیرم تشکر می‌کنم. هنوز فکری برای دوران پس از فوتبالم نکرده‌ام. نمی‌دانم که مربی می‌شوم یا نه بگذارید به موقع در این باره تصمیم بگیرم.

رائول گونسالس دوران بسیار خوبی را در اسپانیا داشت. او شانزده سال در رئال مادرید فوتبال بازی کرد که در این مدت به شش قهرمانی در لیگا، سه قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا و شش قهرمانی در سوپر کاپ اسپانیا دست یافت. او سپس در شالکه و السد قطر بازی کرد و حالا در نیویورک کاسموس کفش‌هایش را خواهد آویخت.

رائول در ۱۰۲ بازی ملی برای تیم ملی اسپانیا ۴۴ گل را به ثمر رساند، ولی بدشانس بود که خداحافظی‌اش از تیم ملی با شروع قدرتمندی ماتادورها همراه شد. گفته می‌شود مسئولان باشگاه رئال مادرید قصد دارند از رائول در تیم‌های پایه خود استفاده کنند.

ماتئوس:

تنها یک بازیکن شایسته

کسب توپ طلا است

ستاره سابق تیم ملی فوتبال آلمان باینر است که در سال ۲۰۱۵ تنها یک نفر شایسته رسیدن به کسب توپ طلا است و او کسی جز لیونل مسی نیست.

به گزارش فیفا، لوتار ماتئوس، ستاره سابق تیم ملی فوتبال آلمان یکی از بازیکنانی است که موفق شده توپ طلا را به دست آورد. او در سال ۱۹۹۱ زمانی که بازوبند کاپیتانی اینتر و تیم ملی فوتبال آلمان را بر بازو می‌بست موفق شد با پشت سر گذاشتن ستاره‌هایی مانند گری لینکر و ژان پیر پاپن فرانسوی به عنوان بهترین بازیکن جهان انتخاب شود. ماتئوس گفت: تنها یک بازیکن شایسته رسیده به توپ طلا است و او کسی جز مسی نیست. آمار و ارقام این ستاره آرژانتینی همه چیز را ثابت می‌کند. مسی فصل رویایی را با آبی-اناریها پشت سر گذاشت و موفق شد که علاوه بر قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا، قهرمانی در جام حذفی و رقابت‌های لیگا را هم به دست آورد. درست است که مسی نتوانست در کوپا آمریکا به قهرمانی برسد اما این اصلاً از ارزش‌های او کم نمی‌کند.

نکته جالب این که لوتار ماتئوس پیش از این از منتقدان اصلی لیونل مسی بود. او سال گذشته به شدت به انتقاد از این بازیکن آرژانتینی پرداخت و تأکید کرد که نباید اصلاً نام او در بین سه گزینه نهایی قرار می‌گرفت، اما در سال ۲۰۱۵ مسی آنقدر خوب کار کرده است که بسیاری از منتقدانش او را شایسته کسب توپ طلا می‌دانند.

ستاره سابق تیم ملی فوتبال آلمان درباره این سوال که چه مربی شایسته انتخاب شدن به عنوان بهترین مربی سال را دارد، گفت: از نظر من لوئیس انریکه سرمری بارسلونا شایسته رسیدن به این عنوان است. او در فصل نخست حضورش در این تیم نتایج درخشانی را رقم زد و سه گانه را به دست آورد.



اعضای غیردایم جدید شورای امنیت سازمان ملل انتخاب شدند



کشورهای اوکراین، جاپان و مصر به همراه سنگال و اروگوئه توانستند حائز کرسی غیردائم شورای امنیت سازمان ملل شوند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این اتفاق در حالی رخ داده که دیپلماسی جهانی تحت الشعاع تنش‌ها با روسیه و خشونت‌ها در خاورمیانه قرار دارد. دو کشور سنگال و اروگوئه از جمله پنج کشوری بودند که روز پنجشنبه توانستند آراء لازم برای به دست آوردن کرسی غیردائم شورای امنیت سازمان ملل را در یک رای گیری در مجمع عمومی سازمان ملل به دست آورند. این پنج کشور پس از آنکه گروه‌های منطقه‌ای از آنها حمایت کردند با مخالفتی علیه کاندیداتوری خود برای کرسی غیر دائم شورای امنیت مواجه نشدند. با این حال آنها همچنان مجبور بودند تا دو سوم از مجموع آراء را به خود اختصاص دهند.

نخستین نتایج حاکی از آن بود که کشور سنگال بیشترین تعداد آراء را با ۱۸۷ رای به دست آورده و پس از این کشور نیز اروگوئه با ۱۸۵ رای قرار داشت. همچنین کشور جاپان ۱۸۴ رای، مصر ۱۷۹ رای و اوکراین ۱۷۷ رای در مجمع ۱۹۳ عضوی سازمان ملل کسب کردند.

گمانه‌زنی‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه روسیه به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل از کاندیداتوری اوکراین برای کرسی این شورا خشمگین شود.

پترو پوروشنکو، رییس جمهوری اوکراین بعد از اعلام نتایج رای گیری در مطلبی در شبکه فیس بوک نوشت: این رای گیری امکانات جدیدی برای اوکراین به منظور حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی خود به وجود می‌آورد.

همچنین پاولو کلیمکین، وزیر امور خارجه اوکراین نیز این نتایج را تحسین کرد و روز پنجشنبه را یک روز بسیار مهم برای اوکراین خواند. اعضای جدید شورای امنیت سازمان ملل از اول ژانویه دوره دو ساله خود را آغاز کرده و جانشین کشورهای چاد، شیلی، اردن، لیوانی و نیجریه خواهند شد.

تشدید تدابیر امنیتی در شرق بیت المقدس در «روز خشم» فلسطینی‌ها



با ورود بحران امنیتی میان اسرائیل و فلسطینی‌ها به شانزدهمین روز خود، در حالی که فلسطینی‌ها روز جمعه، ۲۴ مهر/میزان را «روز خشم» نامیده و همزمان یکی از مکان‌های تاریخی مهم برای یهودیان را آتش زدند، اسرائیل تدابیر امنیتی را در شرق اورشلیم در آستانه برگزاری نماز جمعه تشدید کرد.

پلیس اسرائیل تنها به مردان بالاتر از ۴۰ سال اجازه ورود به الاقصی را داد. اما ورود زنان و دختران فلسطینی برای حضور در نماز الاقصی بدون محدودیت بود.

اسرائیل می‌گوید، تجربه نشان می‌دهد که مردان جوان فلسطینی تمایل و انگیزه بیشتری برای درگیری دارند.

ناآرامی خاصی در نخستین ساعات پس از پایان نماز جمعه رخ نداد، اما در بسیاری از شهرهای کرانه باختری، فلسطینی‌های جوان با خروج از مساجد، به سوی درگیری با نظامیان اسرائیلی در پست های بازرسی و مراکز استقرار این نیروها رفتند.

ساعتی پس از پایان نماز جمعه، یک مهاجم فلسطینی با چاقو به یک اسرائیلی در جاده ای در نزدیکی الخلیل در کرانه باختری حمله کرد، اما مهاجم به دنبال آتشباری سربازان شدیداً زخمی شد.

مهاجم خود را به شکل فیلمبردار درآورده و علامت «مطبوعات» را بر اتومبیل خود زده بود.

نیروهای امنیتی اسرائیل همچنین گفته اند، بامداد جمعه در نزدیکی شهرک «عیسویه» در شرق اورشلیم، از بازرسی از یک اتومبیل فلسطینی، یک بمب دست‌ساز کشف شده که ظاهراً قرار بوده با رسیدن به اورشلیم در این شهر منفجر شود.

نماز جمعه این هفته به دلیل تشدید حملات از سوی مهاجمان چاقوبه‌دست فلسطینی به رهگذران اسرائیلی و حملات دیگری، مانند تیراندازی و زیر گرفتن عामدانه رهگذران، با حساسیت زیاد برگزار شد.

هفته گذشته یکی از بحرانی ترین ایام در مناسبات متشنج اسرائیل و فلسطینی‌ها در یک دهه اخیر بود؛ در جنگ سال گذشته میان ارتش اسرائیل و تشکل های مسلح فلسطینی در غزه نیز چنین بحرانی به وجود نیامده بود.

روز پنجشنبه، ۲۳ مهر، اولین روز در ایام بحرانی اخیر بود که حمله ای به اسرائیلی ها رخ نداد و کسی از فلسطینی ها کشته یا زخمی نشد.

اسرائیل: آتش زدن آرامگاه یوسف پیامبر مشابه رفتارهای داعش است

در این میان، اسرائیل به آتش زدن آرامگاه حضرت یوسف در شهر نابلس واکنش تندی نشان داده و آن را «ادامه اقدامات داعش» نامیده است.

گروهی از فلسطینی‌ها شامگاه پنجشنبه تا بامداد جمعه آرامگاه یوسف را به آتش کشیدند و خسارات جدی به آن وارد کرده اند.

به گزارش رسانه‌های اسرائیل، زبیبی خوتوولی، معاون وزارت خارجه اسرائیل، در نامه ای به دولت های جهان نوشته است، فلسطینی‌ها با این اقدام درصدد بودند ریشه‌های یهودیان در این سرزمین را به آتش بکشند و «تاریخ را جعل کنند».

دوری گولد، مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل، نیز گفته است، از عراق تا لیبی افراطیون در سال‌های اخیر با امکان باستانی به این گونه رفتار کرده اند، و «اگر اسرائیل در همه این سال‌ها سرپرستی این امکان را نداشت، این آثار تمدن بشری از مدت ها قبل نابود شده بود».

هند گزارش امریکا درباره «آزادی مذاهب» را رد کرد

هند نتوانسته است به درستی در مقابل خشونت های مذهبی عکس العمل نشان دهد.

به گزارش منابع خبری محلی، از زمان روی کارآمدن دولت «بهاریا جاناتا» اقدامات هندوهای افراطی افزایش یافته است، بگونه ای که در چند ماه گذشته حزب افراطی «RSS» به اجرای برنامه گسترده ای برای تغییر دین در کشور اقدام کرد.

همچنین یکی از رهبران این حزب افراطی گفته است که هند متعلق به هندوها است و مسلمانان باید به پاکستان بروند که این اظهارات باعث واکنش های زیادی در میان احزاب و مجلس هند شد.

هفته گذشته نیز تعدادی از هندوها پس از پخش شایعه ای در یکی از معابد هند در باره نگه داری گوشت گاو توسط محمد اخلاق ۵۱ ساله، به منزل وی حمله کردند، که در آن این مسلمان ۵۱ ساله بر اثر ضربات هندوهای افراطی درگذشت و فرزند وی نیز در بیمارستان بستری شد.

رسانه های هند روز جمعه، به نقل از سرویزیر ایالت م «اهارا شترا» اعلام کردند که مسلمانان باید بین خوردن گوشت گاو و یا ماندن در هند یکی را انتخاب کنند.

گاو حیوانی مقدس در مذهب هندو محسوب می شود. پس از آغاز کار دولت مودی، گزارش های فراوانی در مورد حمله به کلیسا و اقلیت های مذهبی در هند منتشر شده است.

بر اساس گزارش های منتشر شده تعدادی از مبلغان هندو با سفر به روستاها و مناطق دورافتاده، پیروان ادیان را به پیوستن به آیین هندو تشویق می کنند.

پیش از این، وزارت خارجه روسیه هم در واکنش به گزارش امریکا در مورد آزادی مذاهب در این کشور، آن را سیاسی خوانده بود.



دولت هند گزارش کنگره امریکا را در باره قتل های مذهبی، بازداشت و تغییر اجباری دین در این کشور، نادرست خواند.

ویکاس سواراپ سخنگوی وزارت امور خارجه هند روز جمعه با رد این گزارش گفت که قانون اساسی هند عدالت مذهبی، اجتماعی و سیاسی را برای همه شهروندان خود تامین می کند.

در گزارش آزادی مذهبی کنگره امریکا آمده است که در سال ۲۰۱۴ بیش از ۸۰۰ مورد خشونت های مذهبی در هند رخ داده است.

در بخشی دیگر از این گزارش اضافه شده است دولت هند در سالهای اخیر با تصویب قوانینی برای محافظت از احساسات مذهبی و جلوگیری از تغییر دین اقداماتی انجام داده است.

در ادامه گزارش آزادی مذهبی کنگره امریکا آمده است که هند در سال ۲۰۱۴ شاهد وقوع قتل، بازداشت و تغییر اجباری مذهب بوده و در مواردی پلیس

ترکیه یک هواپیمای بدون سرنشین را در نزدیک مرز سوریه سرنگون کرد

ترکیه اعلام کرده‌اند که تحقیقات در رابطه با این مسئله شروع شده، حدس و گمان‌های مختلفی به میان آمده است. رویترز به نقل از یک مقام ایالات متحده نوشته است که واشینگتن بر اساس اطلاعاتی ابتدایی که به دست آمده است اعتقاد دارد این هواپیما روسی باشد. این در حالی است که وزارت دفاع روسیه اعلام کرده تمام هواپیماهای این کشور در سوریه، سالم به پایگاه خود بازگشته‌اند و هواپیماهای بدون سرنشین آن نیز عملیات خود را طبق برنامه انجام داده‌اند.

هواپیماهای جنگی ترکیه روز جمعه، ۲۴ مهر/میزان یک هواپیمای ناشناس بدون سرنشین را بر آسمان این کشور در حوالی مرز سوریه هدف قرار داده و سرنگون کردند. گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از شبکه ان‌تی‌وی بیان می‌کند که این هواپیما تا مسافت سه کیلومتر در آسمان ترکیه پیش رفته بود که در نهایت پس از سه بار اختلال، هدف جت‌های جنگی این کشور قرار گرفت. اما هنوز مشخص نیست که این هواپیما متعلق به کدام کشور یا گروهی بوده است و در حالی که مقامات دولت

جت‌های روسی در روزهای اخیر دو بار حریم هوایی ترکیه را نقض کرده‌اند و ترکیه هشدار داده که اگر این اتفاق تکرار شود، پاسخ آن را خواهد داد.

در عین حال ناتو نیز به روسیه اعتراض کرده و تاکید داشته که اقدام هواپیماهای روسی تصادفی نبوده است.

روسیه با حضور نظامی در سوریه دست به یک سری حملات هوایی زده که هدف از آن گروه «حکومت اسلامی» و دیگر گروه‌های «تروریستی» عنوان شده، اما ناتو می‌گوید که روسیه مواضع آن گروه‌های مخالف بشار اسد را هم که مورد حمایت غرب قرار دارند، هدف قرار داده است.